

# بُرهم: رانشمنه

مرووی بزرنگی و رستاوردهای شهید مسعود علی محمدی

اصغر فکور

نصیرگر: سید هیثم موسوی

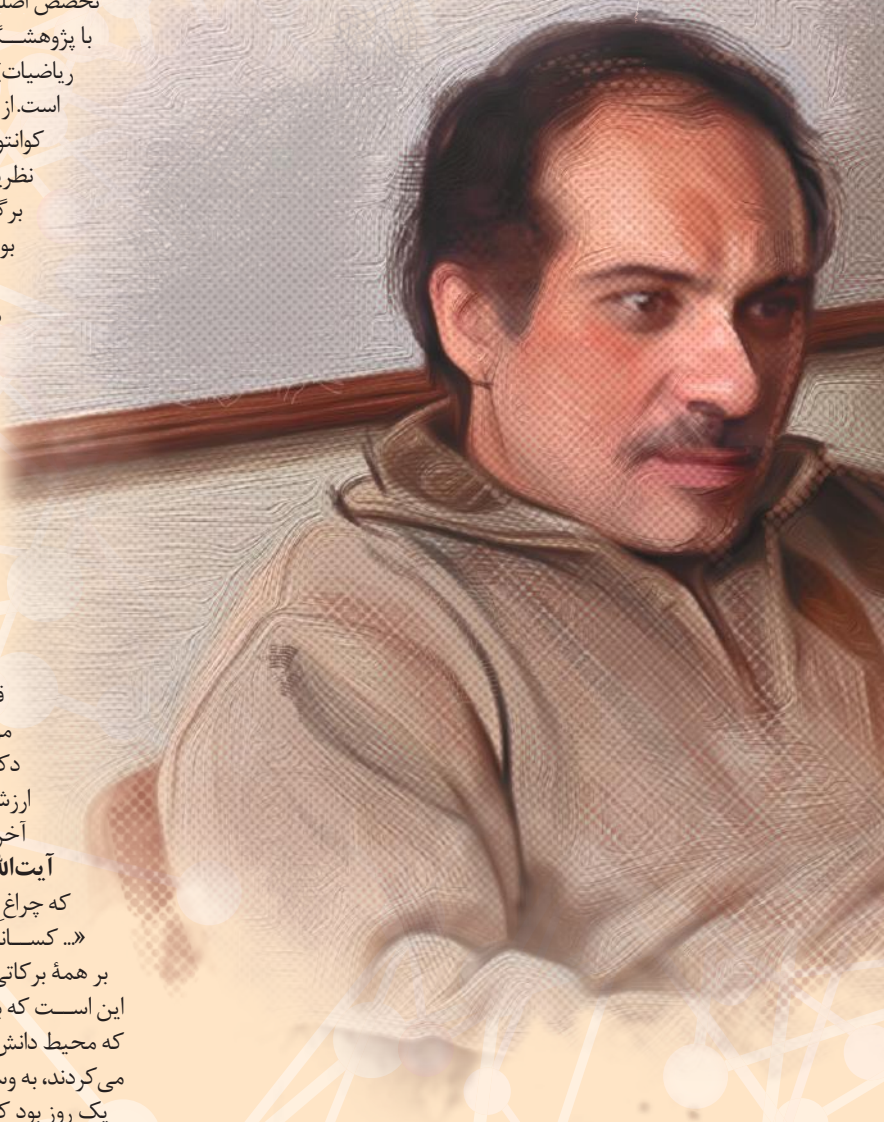
مادربزرگم سواد قرآنی داشت. خودش می گفت سواد مکتبی! وقتی گفتم یکی از دانشمندیهای کشورمان را ترور کردند، ابروهای بلندش را توی هم جمع کرد و گفت: «یعنی شهیدش کردند؟»  
گفتم: «آره مادربزرگ، شهیدش کردند!»  
عینک ته‌استکانی‌اش را از روی صورت برداشت و با دستمالی که همیشه کنار دستش بود، قطره‌های اشک را از روی صورت پرچین و چروکش پاک کرد. همیشه وقتی از چیزی ناراحت می شد، یا غصه‌اش می گرفت، خیره می شد به جایی و سر تکان می داد.  
اما این بار دستش را دراز کرد و عصاش را که به دیوار تکیه داده بود برداشت و گفت: «می‌رم دو رکعت نماز برات بخونم!»  
با خودم گفتم تا مادربزرگ نمازش را بخواند، دو استکان چای آماده کنم. اما بعد از نماز آن قدر با خدا راز و نیاز کرد که چای سرد شد و از دهان افتاد. وقتی برگشتم و روی تشکچه‌اش نشست پرسیدم: «مادربزرگ چه دعایی می کردی که این قدر طولانی بود؟»  
سرش را با حسرت تکان داد و گفت: «دعا کردم و از خدا خواستم که مملکتمون هیچ وقت از آدمای خوب و باسواد خالی نشه!» با خنده گفتم: «این دعا که نباید این همه طولانی می شد!»  
مادربزرگ چشم‌های روشنش را به صورتم دوخت و آرام گفت: «چون یک بار دعا نکردم! هزار بار از خدا خواستم!»  
رفتم چای تازه بریزم که مادربزرگ پرسید: «این بنده خدایی که شهیدش کردند چه کاره بوده؟»

سؤال مادربزرگ مثل شوک تکان داد. چه جوابی باید به او می دادم، وقتی خودم هم چیز زیادی از او نمی دانستم؟ می خواستم خودم را به نشنیدن بزیم، اما خجالت کشیدم. در حالی که سینی چای را می آوردم گفتم: «واقعیتش منم چیز زیادی درباره‌اش نمی دونم! فقط می دونم اسمش دکتر مسعود علی محمدی بوده!»

مادربزرگ عمدا سرش را پایین انداخت تا دستپاچگی‌ام را نبیند. بعد خیلی آرام گفت: «تو که کتابخونی! برو بخون ببین چی بوده، چه کاره بوده، اصلا چرا شهیدش کردند!»

تلنگر مادربزرگ باعث شد وقتی به خانه برمی گردم، تا نزدیک اذان صبح مطالبی را که درباره شهید مسعود علی محمدی نوشته شده بود بخوانم: «شهید مسعود علی محمدی فروردین ۱۳۴۰ خورشیدی در خانواده‌ای مذهبی در یکی از روستاهای شهرستان ایذه چشم به جهان گشود. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. مسعود از هوش و استعداد قابل توجهی برخوردار بود. داشتن روحیه حساس، گشاده‌رویی و خوش خلقی از او شخصیتی دوست‌داشتنی ساخته بود.

همین امر سبب جذب دوستان زیادی شده بود. بیشتر هم کلاسی‌های علی محمدی وی را دانش‌آموزی ممتاز و کوشا و از بهترین شاگردان می شناختند. با وجود مشکلات فراوان در کنار تحصیل، همگام و همراه پدر به فعالیت‌های کشاورزی می پرداخت. دوران جوانی مسعود، هم‌زمان با اوج‌گیری تظاهرات و مبارزات ملت ایران شد. او با سخنرانی و برپایی نماز جماعت در دبیرستان به مبارزه و فعالیت در گروه‌های سیاسی می پرداخت. مسعود ضمن عضویت در انجمن اسلامی دبیرستان، عضو فعال نیروهای مسجد جامع نیز بود و سعی در برپایی کلاس‌های عقیدتی و سیاسی داشت. او در سنگر دبیرستان فعالانه به تبلیغ و جذب نیروهای مؤمن دست می زد و با افکار انحرافی رایج آن زمان نیز مبارزه می کرد. پس از پایان دوران متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۵۸ خورشیدی، به جهادگران پیوست و با تمام توان در خدمت محرومان قرار گرفت. در ادامه کمیته فرهنگی جهادسازندگی شهرستان ایذه را راه‌اندازی کرد. کتابخانه‌های بزرگی در شهر دایر می کرد و کتابخانه‌های موجود در شهر را گسترش می داد. ضمن اینکه در این مدت به تهیه و تکثیر نشریه، فیلم و اسلاید و دایرکردن کلاس‌های تابستانی آموزش قرآن نیز مشغول بود. او کار فرهنگی را بزرگ‌ترین مسئولیت فرد



دانشجویان پسادکتر در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بود. تخصص اصلی او ذرات بنیادی، انرژی‌های بالا و کیهان‌شناسی بود. با پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات) نیز طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ همکاری داشته است. از جمله درس‌های ارائه‌شده توسط وی می‌توان به مکانیک کوانتومی و الکترومغناطیس، مکانیک آماری، ذرات بنیادی و نظریه میدان‌های کوانتومی اشاره کرد. علی‌محمدی یکی از برگزیدگان جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال ۱۳۸۶ بود و در پژوهش‌های بنیادی رتبه دوم را کسب کرد.

وی از سال ۱۳۷۴ در دانشکده فیزیک دانشگاه تهران مشغول به تدریس بود و عضو هیئت علمی این دانشگاه محسوب می‌شد. وی همچنین به عنوان استاد راهنما و مشاور در پروژه‌های پایان‌نامه‌های مرتبط با علوم فیزیکی به فعالیت مشغول بود. دکتر علی‌محمدی، استاد تمام فیزیک دانشگاه تهران و نماینده ایران در پروژه سزامی (مرکز تابش سینکروترون برای تحقیقات و علوم کاربردی در خاورمیانه) بود.

مطالب زیادی برای شناختن دانشمند بزرگ کشورمان، دکتر مسعود علی‌محمدی پیدا کردم، اما تلخ‌ترین مطلب شهادتش بود: «در ساعت هفت‌وسه دقیقه صبح بیست و دوم دی ماه ۱۳۸۸ در منطقه قیصریه تهران، بر اثر انفجار بمب در یک دستگاه موتورسیکلت که به فاصله یک متری از در ورودی منزل دکتر مسعود علی‌محمدی جاسازی شده بود، دانشمند

ارزشمند کشورمان به شهادت رسید.» آخرین مطلب را از رهبر انقلاب‌مان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره دانشمند هسته‌ای کشورمان خواندم که چراغ روشنی برای امیدبخشی به آینده علمی کشورمان بود: «... کسانی که از دنیای علم به وادی شهادت وارد شده‌اند، علاوه بر همه برکاتی که دیگر شهدا دارند، این‌ها یک امتیاز دارند و آن هم این است که به محیط علمی ما روح بخشیده‌اند. یعنی نشان داده‌اند که محیط دانش کشور و آن‌هم دانش‌های پیشرفته‌ای که این‌ها دنبال می‌کردند، به وسیله چه کسانی دارد اداره می‌شود.

یک روز بود که محیط‌های علمی ما تأثیرگذارانش کسانی بودند که نه به این ملت اعتقاد داشتند، نه به دین این ملت اعتقاد داشتند، نه به شرف این ملت اعتقاد داشتند.

امروز برترین قله‌های علمی کشور و تحصیلی کشور دارد به وسیله کسانی اداره می‌شود و تولید می‌شود - نه اینکه اداره می‌شود - دارد می‌روید به وسیله کسانی که در اعداد شهدای ما قرار می‌گیرند. یعنی بالاترین رتبه از ارزش‌های معنوی را به دست می‌آورند. مثل همین شهید علی‌محمدی و شهید شهریاری و امثال این‌ها. بنابراین شهادت این جور دانشمندان آبرو بخشد به محیط علمی ما. علاوه بر اینکه هر شهیدی آبرو می‌بخشد به ملتش. و هر شهیدی آبرو می‌بخشد به خانواده‌اش...»<sup>۱</sup>

نزدیک اذان صبح است. از جا بلند می‌شوم تا بروم وضو بگیرم. باید بعد از نماز برای سلامتی همه دانشمندان کشورم دعا کنم!

#### پی‌نوشت

۱. یک مرجع تعیین استاندارد اعتبارات نشریات علمی در سراسر جهان است.

#### منبع

1. <https://farsi.khamenei.ir>

مؤمن می‌دانست.

با شروع جنگ تحمیلی از جهاد استعفا داد و به سپاه پیوست. در همان ابتدا به عنوان مسئول پرسنلی پایگاه مشغول به خدمت شد. او به دنبال روزه‌ای بود تا به جبهه برود و در نخستین فرصت فرمانده پایگاه را قانع کرد و به جبهه اعزام شد. شهید علی‌محمدی ابتدا به عنوان نیروی تک‌رو در یکی از گردان‌ها مشغول به خدمت شد و در عملیات خیبر حضور داشت. به دنبال آن، بنا به دستور مسئولان لشکر، به عنوان مسئول تعاون و فرمانده گردان انصار لشکر ۷ ولیعصر (عج) مشغول به خدمت شد.

خواندن این همه مطلب درباره دانشمند کشورمان مرا به وجد آورد. دوباره مشغول جست‌وجو شدم تا بفهمم در ادامه چه فعالیت‌هایی انجام داده بود که این مطالب را دیدم: «... او مدرک کارشناسی را از دانشگاه شیراز (۱۳۶۴) و کارشناسی ارشد (۱۳۶۷) و دکترای فیزیک با گرایش ذرات بنیادی (۱۳۷۱) را از دانشگاه صنعتی شریف کسب کرد. از دانشجویان نخستین دوره دکترای فیزیک داخل ایران و نخستین شخصی بود که در ایران دکترای خود را در فیزیک دریافت کرده بود. او ده‌ها مقاله‌ای‌اس‌آی<sup>۱</sup> منتشر کرده و همچنین از جمله اولین